

## تحلیل جرم‌شناسی رابطه ترک تحصیل با گرایش به بزهکاری در نوجوانان

معصومه زارع شیخان مسکن<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

### چکیده

ترک تحصیل نوجوانان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و تربیتی در ایران است که پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، روانی و اجتماعی دارد. یافته‌های موجود نشان می‌دهد ترک تحصیل نه تنها موجب کاهش فرصت‌های آموزشی و شغلی نوجوانان می‌شود، بلکه زمینه‌ساز گرایش به بزهکاری و رفتارهای پرخطر نیز است. نوجوانان ترک تحصیل شده بیشتر در معرض سرقت خرد، رفتارهای پرخطر، مصرف مواد مخدر و مشارکت در گروه‌های بزهکار قرار دارند و این فرآیند تحت تأثیر عوامل خانوادگی، مدرسه‌ای، اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که حمایت خانوادگی، کیفیت آموزش، فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه‌ای و نهادهای حمایتی می‌توانند اثر ترک تحصیل بر بزهکاری را کاهش دهند. پژوهش حاضر با بررسی منابع داخلی و مطالعات جدید، رابطه ترک تحصیل و بزهکاری نوجوانان را از منظر جرم‌شناسی تحلیل کرده و راهکارهای پیشگیرانه متنوعی ارائه می‌دهد.

### واژگان کلیدی

ترک تحصیل، بزهکاری نوجوانان، عوامل خانوادگی، نقش مدرسه، نهادهای حمایتی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، وکیل پایه یک دادگستری، عضو کانون وکلای گیلان.

(Mahsazaree62@gmail.com)

## ۱. مقدمه

ترک تحصیل در دوره نوجوانی یکی از معضلات پیچیده و چندبعدی جوامع معاصر است که هم از منظر آموزشی و توسعه انسانی و هم از منظر جرم‌شناسی پیامدهای بلندمدت و بلنددامنه‌ای به همراه دارد. این پدیده وقتی در سطح جمعیتی گسترش یابد، نه تنها به معنای از دست رفتن سرمایه انسانی و کاهش توان رقابتی کشور است، بلکه می‌تواند به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده ورود نوجوانان به شبکه‌های انحرافی و بزهکار عمل کند. پژوهش‌های ملی و بین‌رشته‌ای در ایران نشان می‌دهد که ترک تحصیل با مجموعه‌ای از عوامل ساختاری (از جمله فقر، محرومیت‌های منطقه‌ای و کمبود زیرساخت‌های آموزشی)، عوامل خانوادگی (مانند نظارت ضعیف، تعارضات خانوادگی، و کمبود حمایت عاطفی) و عوامل نهادی (نظیر ناکارآمدی نظام مدارس در شناسایی و حمایت از فراگیران در معرض خطر) مرتبط است و این عوامل در کنار یکدیگر خطر گرایش به رفتارهای مجرمانه را افزایش می‌دهند (جوکار و عبداللهی، ۱۳۹۸، دانش‌مهر، ۱۴۰۰).

بیان مسئله را می‌توان به این شکل خلاصه کرد: با وجود تلاش‌های سیاست‌گذاران و سازمان‌های آموزشی برای کاهش ترک تحصیل، هنوز بخش قابل توجهی از نوجوانان از چرخه رسمی آموزش جدا می‌شوند؛ این خروج نه تنها موجبات کاهش فرصت‌های شغلی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، بلکه در بسیاری از موارد پیش‌زمینه ورود به رفتارهای بزهکارانه را نیز تشکیل می‌دهد. شواهد میدانی و پژوهشی در ایران نشان می‌دهد که نوجوانانی که ترک تحصیل می‌کنند، غالباً در معرض مخاطراتی مانند افت اقتصادی خانوار، نبود مهارت‌های شغلی، قرار گرفتن در محیط‌های بی‌نظارتی و پیوستن به گروه‌های همسالان منحرف قرار می‌گیرند که همه این‌ها احتمال ارتکاب بزه را افزایش می‌دهد (عبداللهی، عبدلخواه، معدنچی انارکی و مطلبی، ۱۴۰۲، صدیق سروستانی، ۱۳۹۸).

چرا تحلیل جرم‌شناسی این رابطه اهمیت دارد؟ نخست، شناخت سازوکارهای میانجی میان ترک تحصیل و بزهکاری به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد مداخلات هدفمندتر و مؤثرتری طراحی کنند؛ دوم، از منظر پیشگیری وضعی و اجتماعی، شناسایی نقاط ضعف در نظام‌های آموزشی و حمایتی می‌تواند راهبردهای پیشگیرانه‌ای را که هم‌زمان هزینه‌بر و پایدارند، تعیین کند؛ و سوم، فهم عمیق از این پیوند می‌تواند به بازنگری در سیاست‌های کیفری و تربیتی منجر شود تا به جای رویکردهای صرفاً تنبیهی، رویکردهای بازپرورانه و بازگشتی به کار گرفته شوند (صیادپور و درتاج، ۱۴۰۰).

اهداف این تحلیلی که در ادامه دنبال می‌شود، عبارت‌اند از: (۱) تبیین مسیرها و مکانیسم‌های نظری که ترک تحصیل را به گرایش به بزهکاری پیوند می‌دهند؛ (۲) تشریح عوامل اجتماعی، خانوادگی و نهادی زمینه‌ساز ترک تحصیل و چگونگی تأثیر هر یک بر افزایش ریسک بزهکاری نوجوانان؛ (۳) ارائه شواهد و مصداق‌های ایرانی از ارتباط بین ترک تحصیل و انواع بزه؛ و (۴) پیشنهاد راهبردهای پیشگیرانه و سیاستی مبتنی بر شواهد برای کاهش همزمان ترک تحصیل و گرایش به بزهکاری در نوجوانان. این اهداف به‌منظور تدوین توصیه‌هایی کاربردی برای نظام آموزشی، دستگاه‌های حمایتی و نهادهای قضایی/اصلاح و تربیت تنظیم شده‌اند (فرجی و محسن‌نژاد، ۱۴۰۳ و دهقانی، ۱۴۰۱).

در زبان جرم‌شناسی، پیوند میان نوسان‌های نهادهای اجتماعی و گرایش به بزهکاری از طریق چند نظریه بنیادین قابل تبیین است. نظریه پیوستگی اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که سرمایه اجتماعی و حس تعلق به نهادهایی مانند مدرسه و خانواده، نقش بازدارنده در برابر رفتارهای انحرافی دارد؛ بنابراین، ترک تحصیل نوعی جداافتادگی اجتماعی است که پیوندهای کنترلی را تضعیف می‌کند و به‌طور نظری خطر ارتکاب بزه را افزایش می‌دهد. نظریه فشار یا ساختاری (مِرتون

و دیگران) نیز نشان می‌دهد که محرومیت‌های اقتصادی و نبود سازوکارهای مشروع برای تأمین نیازها می‌تواند افراد، به‌ویژه نوجوانان، را وادار به روی آوردن به راه‌حل‌های غیر مشروع کند، ترک تحصیل در این چارچوب به منزله از دست رفتن مسیرهای مشروع کسب درآمد و ارتقاء اجتماعی قلمداد می‌شود و زمینه فشار را تشدید می‌کند. علاوه بر این، نظریه یادگیری اجتماعی توضیح می‌دهد که وقتی نوجوان از چرخه مدرسه خارج می‌شود، دسترسی او به الگوهای رفتاری سالم کاهش یافته و احتمال آن افزایش می‌یابد که او از طریق گروه‌های همسالان منحرف، رفتارهای بزهکارانه را بیاموزد و نهادینه کند (صیادپور و درتاج، ۱۴۰۰، صدیق سروستانی، ۱۳۹۸).

مطالعات میدانی و تحلیلی داخلی که در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند، به کرات نشان می‌دهند که ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در برخی مناطق خصوصاً در میان گروه‌های محروم و در مناطق مرزی و روستایی بیش از میانگین کشوری است؛ عواملی مانند فقر، کمبود معلم متخصص، ازدواج زودرس دختران در برخی نواحی، کار کودکان و ناکافی بودن امکانات آموزشی، از دلایل اصلی هستند (دانش مهر، ۱۴۰۰، مروری بر گزارش‌ها و تحلیل‌ها، ۱۴۰۲). داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که در مواردی ترک تحصیل با افزایش احتمال مشارکت در بزهکاری‌های خرد اقتصادی (مانند سرقت‌های خرد، بزه‌های مرتبط با تأمین معیشت) و برخی بزه‌های جمعی همراه است، چرا که نوجوانان ترک تحصیل شده اغلب فرصت‌های مشروع کسب درآمد را از دست می‌دهند و به گروه‌هایی جذب می‌شوند که از طریق فعالیت‌های غیرقانونی امرار معاش می‌کنند (عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۲).

از منظر نهادهای قضایی و اصلاحی، آمار و پژوهش‌های مرتبط با کانون‌های اصلاح و تربیت نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از نوجوانانی که وارد چرخه کیفری می‌شوند، دارای سابقه ترک تحصیل یا افت شدید تحصیلی بوده‌اند؛ این یافته بر نقش قوی ارتباطات مدرسه‌ای و پیوستگی اجتماعی در پیشگیری از جرم تأکید دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۹۸). به‌علاوه، پژوهش‌هایی در سطح شهرها و استان‌ها نشان می‌دهد که نبود خدمات مشاوره‌ای مؤثر در مدارس و عدم وجود برنامه‌های بازگشتی برای جذب تارکان تحصیل، شکاف ننگهدارنده‌ای است که به افزایش آسیب‌ها و احتمال گرایش به بزهکاری دامن می‌زند (فرجی و محسن‌نژاد، ۱۴۰۳).

## ۱-۱. مکانیسم‌های پیوند میان ترک تحصیل و بزهکاری

بر اساس ترکیب یافته‌های نظری و شواهد میدانی، می‌توان سه مسیر اصلی را برای پیوند میان ترک تحصیل و

گرایش به بزهکاری برجسته ساخت:

۱. **کاهش نظارت اجتماعی و فرسایش سرمایه کنترل:** مدرسه علاوه بر آموزش رسمی، نقش نظارتی و کنترلی دارد نظارتی که از طریق معلم، همسالان و ساختارهای نهادی بر رفتار نوجوان اعمال می‌شود. ترک تحصیل این نظارت را کاهش داده و نوجوان را در محیط‌های کمتر ساختاریافته و بی‌نظارتی قرار می‌دهد که خطر یادگیری رفتارهای بزهکارانه را افزایش می‌دهد (جوکار و عبداللهی، ۱۳۹۸).
۲. **افزایش فشار اقتصادی و فقدان فرصت‌های مشروع:** ترک تحصیل اغلب ارتباط نزدیکی با محرومیت اقتصادی دارد؛ نوجوانانی که ترک تحصیل می‌کنند ممکن است مجبور به ورود زودهنگام به بازار کار شوند یا در شرایطی قرار گیرند که برای تأمین نیازهای معیشتی به رفتارهای مجرمانه گرایش پیدا کنند. این مسیر به‌ویژه در مناطقی با نرخ بیکاری و فقر بالاتر تقویت می‌شود (دانش مهر، ۱۴۰۰).

۳. شبکه‌های همسال و یادگیری گروهی ارزش‌های ضد هنجاری: خروج از مدرسه نوجوان را به بسترهای اجتماعی دیگری منتقل می‌کند که در آن‌ها هنجارها و قواعد متفاوتی حاکم است؛ پیوند با گروه‌های همسال خارج از مدرسه که ارزش‌های بزهکارانه را ترویج می‌کنند، می‌تواند رفتار بزهکارانه را تقویت و تثبیت کند (صیادپور و درتاج، ۱۴۰۰).

## ۲-۱. زمینه‌های تقویت‌کننده و تعدیل‌کننده

در کنار این مکانیسم‌ها، عوامل تعدیل‌کننده‌ای نیز وجود دارند که می‌توانند شدت یا احتمال پیوستن ترک تحصیل‌کنندگان به مسیر بزه را افزایش یا کاهش دهند. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **ویژگی‌های خانوادگی:** نظارت والدین، انسجام خانوادگی، سلامت روان والدین و سطح تحصیلات آنان همگی در تعیین مسیر نوجوان اثرگذار است؛ خانواده‌های با سرمایه اجتماعی بالاتر می‌توانند از طریق حمایت عاطفی و اقتصادی مانع از کشیده شدن نوجوان به جرایم شوند (جوکار و عبداللهی، ۱۳۹۸).
- **ویژگی‌های منطقه‌ای و نهادهای محلی:** دسترسی به فرصت‌های آموزشی جایگزین، مراکز مهارت‌آموزی، برنامه‌های جذب بازماندگان تحصیل و وجود نهادهای مدنی فعال می‌تواند نقش بازدارنده‌ای ایفا کند (فرجی و محسن‌نژاد، ۱۴۰۳).
- **سیاست‌ها و عملکرد مدارس:** مدرسه‌هایی که برنامه‌های آموزش امید، مشاوره مؤثر و سازوکارهای شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر را دارند، کمتر با ترک تحصیل و پیامدهای آن مواجه می‌شوند؛ بنابراین تقویت ظرفیت‌های حمایتی مدارس یک مداخله کلیدی است (Dehghani, ۱۴۰۱).

با وجود مطالعات متعدد درباره ترک تحصیل و بزهکاری در ایران، چند خلأ پژوهشی برجسته است: (۱) کمبود مطالعات طولی که مسیرهای علت-معلولی میان ترک تحصیل و بزهکاری را در بازه زمانی دنبال کنند؛ (۲) فقدان داده‌های منسجم و ملی درباره ویژگی‌های دقیق تارکان تحصیل و مسیرهای پس از ترک؛ و (۳) کمبود مطالعات میان‌بخشی که نقش تعامل بین عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و ساختاری را به‌صورت همزمان تحلیل کنند. پر کردن این خلأها برای طراحی سیاست‌های مؤثرتر لازم است (دانش مهر، ۱۴۰۰؛ عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۲).

حل معضل ترک تحصیل و کاهش گرایش به بزهکاری نوجوانان از چند جهت حیاتی است: از جنبه توسعه انسانی، چون سرمایه‌گذاری در آموزش نوجوانان بازده بلندمدتی برای سلامت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد؛ از جنبه امنیت اجتماعی، چون کاهش بزهکاری نوجوانان مستقیماً به ارتقای امنیت محلات و کاهش هزینه‌های عدالت کیفری و اصلاحی منجر می‌شود؛ و از جنبه عدالت اجتماعی، چون بیشترین آسیب‌ها متوجه گروه‌های محروم و حاشیه‌ای است و رسیدگی به این مسأله می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها کمک کند (فرجی و محسن‌نژاد، ۱۴۰۳).

با توجه به بررسی‌های فوق، اهداف راهبردی برای مواجهه با این مسأله عبارت‌اند از: (۱) کاهش نرخ ترک تحصیل از طریق تقویت پوشش آموزشی و تسهیل دسترسی به آموزش برای گروه‌های محروم؛ (۲) ایجاد و توسعه برنامه‌های بازگشتی و مهارتی برای تارکان تحصیل که مسیرهای مشروع کسب درآمد را فراهم سازد؛ (۳) تقویت ظرفیت‌های مشاوره‌ای و حمایتی در مدارس و جوامع محلی؛ (۴) توسعه برنامه‌های پیشگیری موقعیتی و اجتماعی که تمرکز آن‌ها بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم برای نوجوانان بیرون از مدرسه باشد؛ و (۵) هماهنگی میان‌بخشی میان

وزارت آموزش و پرورش، سازمان‌های حمایتی، نهادهای قضایی و سازمان‌های مردم‌نهاد برای ارائه پاسخ‌های یکپارچه (Dehghani, ۱۴۰۱; عبدلهی و همکاران، ۱۴۰۲).

## ۲. مرور ادبیات و مفاهیم کلیدی پژوهش

ترک تحصیل و بزهکاری نوجوانان از جمله مسائل اجتماعی و جرم‌شناختی مهم در ایران و جهان هستند که در دهه‌های اخیر توجه محققان، سیاستگذاران و نهادهای آموزشی و رفاهی را به خود جلب کرده‌اند. ترک تحصیل نه تنها یک اختلال در روند آموزشی است، بلکه می‌تواند به عنوان یک عامل زمینه‌ساز اجتماعی و روانی برای گرایش به بزهکاری عمل کند. مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که ترک تحصیل و بزهکاری نوجوانان، پدیده‌هایی چندبعدی هستند که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، خانوادگی، مدرسه‌ای، روانی و اجتماعی شکل می‌گیرند.

### ۲-۱. مفهوم ترک تحصیل و ابعاد آن

ترک تحصیل به معنای قطع زودهنگام روند آموزشی و خروج از سیستم مدرسه قبل از تکمیل دوره قانونی تحصیل تعریف شده است. این پدیده با پیامدهای متعدد اجتماعی و فردی همراه است و می‌تواند شامل ترک مقطعی، نیمه‌کاره رها کردن تحصیل و عدم بازگشت به مدرسه باشد (محمدی، ۱۴۰۱). دانش‌مهر (۱۴۰۰) ترک تحصیل را نتیجه تعامل عوامل فردی و ساختاری می‌داند؛ عواملی که شامل فقر خانوادگی، عملکرد ضعیف مدرسه، کمبود انگیزه و فشار همسالان است.

ترک تحصیل به عنوان یک پدیده اجتماعی، نه تنها باعث کاهش فرصت‌های آموزشی و شغلی نوجوانان می‌شود، بلکه می‌تواند فرصت‌های قانونی کسب درآمد و پیشرفت فردی را محدود کند. این محدودیت‌ها نوجوانان را به سمت رفتارهای جایگزین و غیرقانونی سوق می‌دهند و زمینه‌ساز بزهکاری اقتصادی می‌شوند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۲).

### ۲-۲. بزهکاری نوجوانان: تعاریف و رویکردها

بزهکاری نوجوانان به رفتارهایی اطلاق می‌شود که با قوانین کیفی یا هنجارهای اجتماعی جامعه مغایرت دارند و توسط افراد زیر ۱۸ سال انجام می‌شود. بزهکاری می‌تواند شامل سرقت، خشونت، تخریب اموال عمومی، مصرف مواد مخدر و رفتارهای پرخطر باشد (خادمی و همکاران، ۱۴۰۳).

تحلیل جرم‌شناسی نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان با عوامل متعدد اجتماعی و روانی مرتبط است. نظریه کنترل اجتماعی، که توسط هیرشی مطرح شده است، بیان می‌کند که ضعف نظارت اجتماعی و خانوادگی، پیوند ضعیف با مدرسه و جامعه و فقدان فرصت‌های مشروع، نوجوانان را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد (رضایی، ۱۴۰۰).

مطالعات داخلی نشان می‌دهند که نوجوانانی که ترک تحصیل کرده‌اند، اغلب از حمایت خانواده و مدرسه برخوردار نیستند و به دلیل تعامل با شبکه‌های همسال بزهکار، رفتارهای ضد اجتماعی و پرخطر را می‌آموزند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۲).

### ۲-۳. عوامل اقتصادی و اجتماعی

فقر و محرومیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز ترک تحصیل و بزهکاری است. محمدی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای در شهرستان‌های محروم ایران نشان داد که فشار اقتصادی خانواده‌ها و نیاز به تأمین منابع زندگی، نوجوانان را به ترک تحصیل و انجام رفتارهای بزهکارانه اقتصادی سوق می‌دهد. این یافته با تحلیل نظریه فرصت‌های محدود و فشار اقتصادی همسو است، که بر رابطه مستقیم بین محرومیت اقتصادی و گرایش به بزهکاری تأکید دارد.

صیادپور و درتاج (۱۴۰۰) نیز بیان می‌کنند که بزهکاری گروهی نوجوانان در مناطق محروم، اغلب نتیجه تعامل محرومیت اقتصادی، فقدان نظارت خانواده و دسترسی به گروه‌های همسال بزهکار است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که ترک تحصیل، از طریق افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی، نوجوانان را در معرض بزهکاری قرار می‌دهد.

#### ۴-۲. نقش خانواده و مدرسه

خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی اجتماعی، نقش تعدیل‌کننده مهمی در رابطه ترک تحصیل و بزهکاری دارند. خانواده‌های حمایتگر با نظارت مؤثر، ارائه حمایت عاطفی و الگوهای رفتاری مثبت، اثر ترک تحصیل بر بزهکاری نوجوانان را کاهش می‌دهند (محمدی، ۱۴۰۱).

نقی پور (۱۴۰۱) نشان داده است که مدارس با ارائه فعالیت‌های فوق برنامه، برنامه‌های مشاوره‌ای و فرصت‌های بازگشتی برای بازگرداندن دانش‌آموزان ترک تحصیل‌شده به مسیر آموزش رسمی یا مهارتی، نقش مؤثری در پیشگیری از بزهکاری دارند. بنابراین ترک تحصیل تنها یک مسئله آموزشی نیست، بلکه یک مسئله اجتماعی چندسطحی است که نیازمند تعامل خانواده، مدرسه و جامعه است.

#### ۵-۲. پیامدهای روانی ترک تحصیل

ترک تحصیل پیامدهای روانی مهمی دارد که نوجوانان را مستعد رفتارهای پرخطر و بزهکارانه می‌کند. خادمی و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند نوجوانان ترک تحصیل‌شده، به دلیل کاهش اعتماد به نفس، اضطراب و افسردگی، بیشتر در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز و مصرف مواد مخدر قرار می‌گیرند. این نتایج با نظریه‌های یادگیری اجتماعی و فشار روانی همسو است که بیان می‌کنند نوجوانان در مواجهه با محرومیت و ناکامی، گرایش به رفتارهای جایگزین و گاه غیرقانونی پیدا می‌کنند.

#### ۶-۲. نقش نهادهای حمایتی و اجتماعی

حمایت اجتماعی و نقش نهادهای فرهنگی، مذهبی و NGOها در کاهش ترک تحصیل و پیشگیری از بزهکاری بسیار مؤثر است. حسینی (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که مراکز فرهنگی و مذهبی با ارائه برنامه‌های آموزشی، مهارتی و مشاوره‌ای می‌توانند نوجوانان ترک تحصیل‌شده را از شبکه‌های همسال بزهکار دور کرده و آنها را به مسیرهای مشروع بازگردانند. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ترک تحصیل‌شده نیازمند رویکرد چندسطحی و هماهنگ با مشارکت خانواده، مدرسه و نهادهای اجتماعی است.

مرور ادبیات نشان می‌دهد که ترک تحصیل یک پدیده چندبعدی با پیامدهای آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و روانی است. بزهکاری نوجوانان تحت تأثیر عوامل خانوادگی، مدرسه‌ای، همسالان، فشار اقتصادی و پیامدهای روانی ترک تحصیل شکل می‌گیرد. نظریه‌های جرم‌شناسی و اجتماعی مانند نظریه کنترل اجتماعی و نظریه فشار اقتصادی، سازوکارهای این رابطه را توضیح می‌دهند. حمایت خانواده، کیفیت آموزش و نقش نهادهای حمایتی می‌تواند اثرات منفی ترک تحصیل را کاهش دهند و نوجوانان را از مسیر بزهکاری بازگردانند (محمدی، ۱۴۰۱؛ رضایی، ۱۴۰۰؛ خادمی و همکاران، ۱۴۰۳).

#### ۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به صورت تحلیلی و غیرپژوهشی بر پایه منابع داخلی فارسی و مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای جدید (۱۳۹۸ به بعد) انجام شده است. در این مطالعه، داده‌ها از طریق مرور گسترده ادبیات موجود در حوزه ترک تحصیل و

بزهکاری نوجوانان جمع‌آوری شده است. منابع مورد استفاده شامل مقالات علمی، فصلنامه‌های پژوهشی، گزارش‌های نهادهای آموزشی و اجتماعی، و مطالعات موردی شهرستان‌های مختلف ایران بوده است. روش تحلیل به صورت کیفی و توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌ها با تمرکز بر رابطه ترک تحصیل و گرایش به بزهکاری دسته‌بندی شده‌اند. محورهای تحلیل شامل پیامدهای اقتصادی، شبکه‌های همسال، پیامدهای روانی، نقش خانواده، نقش مدرسه و نهادهای حمایتی است. تمامی یافته‌ها با رفرنس‌دهی داخلی و معتبر، و با تاکید بر پژوهش‌های جدید و متفاوت ارائه شده است.

این روش به پژوهشگر امکان داده است تا رابطه چندسطحی و پیچیده ترک تحصیل و بزهکاری نوجوانان را به صورت یکپارچه تحلیل کند و راهکارهای پیشگیرانه و اصلاحی را در سطح جامعه، مدرسه و خانواده پیشنهاد دهد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

تحلیل رابطه ترک تحصیل با گرایش به بزهکاری در نوجوانان نشان می‌دهد که این رابطه پیچیده و چندبعدی است و تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شکل می‌گیرد. یافته‌ها را می‌توان در چند محور اصلی تفکیک و تحلیل کرد:

##### ۴-۱. پیامدهای اقتصادی ترک تحصیل

یکی از مهم‌ترین پیامدهای ترک تحصیل، کاهش فرصت‌های مشروع کسب درآمد و افزایش فشار اقتصادی بر نوجوان و خانواده است. نوجوانانی که تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند، به‌طور مستقیم دسترسی به مشاغل قانونی و پایدار را از دست می‌دهند. این محدودیت اقتصادی آنها را به سمت فعالیت‌های جایگزین غیرقانونی سوق می‌دهد. محمدی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای در شهرستان‌های محروم نشان داد که بیش از ۶۰ درصد نوجوانان ترک تحصیل، دست کم یک بار در سرقت خرد یا خرید و فروش غیرقانونی کالاهای مورد نیاز خود یا خانواده شرکت کرده‌اند. این رفتارها ناشی از فشار اقتصادی و فقدان دسترسی به منابع مشروع است.

علاوه بر سرقت خرد، نوجوانان ترک تحصیل شده در معرض فعالیت‌های اقتصادی پرریسک مانند قمار، فروش مواد غیرقانونی و فعالیت‌های خلاف قانون شهری هستند. کریمی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که فشار اقتصادی، محرومیت اجتماعی و فقدان فرصت‌های قانونی، به صورت مستقیم با گرایش به بزهکاری اقتصادی مرتبط است. بنابراین ترک تحصیل به عنوان یک عامل پیش‌زمینه اقتصادی زمینه را برای بزهکاری فراهم می‌کند.

##### ۴-۲. بزهکاری گروهی و نقش شبکه‌های همسالان

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها این است که ترک تحصیل باعث افزایش تعامل نوجوان با شبکه‌های همسال خارج از مدرسه می‌شود. گروه‌های همسال خارج از مدرسه، به ویژه در مناطق حاشیه‌ای، ارزش‌ها و هنجارهای ضد‌هنجاری را ترویج می‌کنند و رفتارهای جمعی بزهکارانه مانند خرابکاری، شرکت در نزاع‌های خیابانی و سرقت گروهی را آموزش می‌دهند (رضایی، ۱۴۰۰).

مطالعات نشان می‌دهد نوجوانانی که ترک تحصیل کرده‌اند، تمایل بیشتری به عضویت در گروه‌های بزهکار دارند. این گروه‌ها علاوه بر آموزش رفتارهای بزهکارانه، هویت گروهی و حس تعلق را نیز فراهم می‌کنند که نوجوانان از دست داده‌اند. بنابراین ترک تحصیل نه تنها باعث کاهش نظارت اجتماعی می‌شود، بلکه الگوی یادگیری اجتماعی نوجوانان را تغییر داده و آنها را در معرض هویت بزهکارانه قرار می‌دهد.

### ۳-۴. پیامدهای روانی و رفتارهای پرخطر

ترک تحصیل پیامدهای روانی عمیقی نیز دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد نوجوانانی که از مدرسه دور می‌شوند، احساس ناکامی، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و اضطراب را تجربه می‌کنند و این شرایط، زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر و بزهکارانه می‌شود (نقی پور، ۱۴۰۱).

خادمی و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند نوجوانان ترک تحصیل شده دو تا سه برابر بیشتر درگیر مصرف مواد مخدر، سیگار، و نزاع‌های خیابانی می‌شوند. این یافته‌ها تأکید می‌کند که ترک تحصیل پیامدهای روانی و رفتاری دارد که خطر بزهکاری را تشدید می‌کند. علاوه بر این، عدم حضور در مدرسه باعث کاهش فرصت‌های تعامل مثبت با همسالان و دریافت حمایت اجتماعی می‌شود، که خود عاملی برای تثبیت رفتارهای بزهکارانه است.

### ۴-۴. نقش خانواده

خانواده نقش تعدیل‌کننده مهمی در رابطه ترک تحصیل و بزهکاری دارد. نوجوانانی که در خانواده‌های حمایتی، با انسجام بالا و نظارت مناسب زندگی می‌کنند، حتی اگر ترک تحصیل کرده باشند، گرایش کمتری به بزهکاری دارند (محمدی، ۱۴۰۱).

بر اساس یافته‌های رضایی (۱۴۰۰)، سه عامل اصلی در خانواده می‌تواند اثر ترک تحصیل بر بزهکاری را کاهش دهد:

۱. نظارت والدین: کنترل رفتاری و ارتباط منظم با نوجوان.
  ۲. حمایت عاطفی: ایجاد حس تعلق و امنیت روانی.
  ۳. الگوی رفتاری مثبت والدین: آموزش هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های قانونی.
- خانواده‌های دارای این ویژگی‌ها می‌توانند به نوعی اثر محافظتی در برابر رفتارهای بزهکارانه نوجوانان ترک تحصیل شده ایجاد کنند.

### نقش مدرسه و کیفیت آموزش

عملکرد مدرسه یکی از عوامل کلیدی در کاهش ترک تحصیل و پیامدهای بزهکارانه آن است. نقی پور (۱۴۰۱) نشان داد که مدارس با برنامه‌های مشاوره‌ای، فعالیت‌های فوق برنامه و مشارکت فعال دانش‌آموزان نرخ ترک تحصیل را کاهش داده و تمایل نوجوانان به بزهکاری را کاهش می‌دهند.

علاوه بر این، سیستم‌های آموزشی که فرصت‌های بازگشتی برای بازگرداندن نوجوانان ترک تحصیل شده ایجاد می‌کنند، نقش مهمی در کاهش گرایش به بزهکاری ایفا می‌کنند. این اقدامات شامل کلاس‌های جبرانی، آموزش مهارت‌های شغلی و برنامه‌های مشاوره‌ای ویژه است (حسینی، ۱۴۰۲).

### ۶-۴. تعامل عوامل اقتصادی، روانی و اجتماعی

تحلیل ترکیبی یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه ترک تحصیل و بزهکاری خطی و ساده نیست؛ بلکه تحت تأثیر تعامل چندین عامل قرار دارد:

- فقر و فشار اقتصادی (محمدی، ۱۴۰۱).
- شبکه‌های همسال بزهکار و فقدان نظارت اجتماعی (رضایی، ۱۴۰۰؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲).
- پیامدهای روانی مانند افسردگی و اضطراب (خادمی و همکاران، ۱۴۰۳).
- حمایت خانوادگی و کیفیت مدرسه (نقی پور، ۱۴۰۱).

این تحلیل نشان می‌دهد که برنامه‌های پیشگیری باید چندسطحی و هماهنگ باشند و همزمان به خانواده، مدرسه، نهادهای حمایتی و جامعه توجه کنند.

#### ۴-۷. مسیرهای پیشگیری و سیاست‌های پیشنهادی

بر اساس یافته‌ها، سه مسیر اصلی برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ترک تحصیل شده پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی: ارائه فرصت‌های آموزشی و شغلی جایگزین برای نوجوانان ترک تحصیل.
۲. مداخلات روانی و مشاوره‌ای: کاهش پیامدهای روانی ترک تحصیل و ایجاد حس تعلق اجتماعی.
۳. تقویت نقش خانواده و مدرسه: آموزش والدین، نظارت مؤثر و بازگرداندن نوجوانان به مدرسه یا برنامه‌های مهارتی (کریمی و همکاران، ۱۴۰۲؛ حسینی، ۱۴۰۲).

بر اساس یافته‌ها، پیشگیری از ترک تحصیل و کاهش پیامدهای بزهکارانه نوجوانان نیازمند رویکرد چندسطحی و هماهنگ است که شامل خانواده، مدرسه، نهادهای حمایتی و برنامه‌های اجتماعی می‌شود.

#### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

ترک تحصیل نوجوانان یک پدیده پیچیده و چندبعدی است که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر مسیر زندگی آنها و رفتارهای اجتماعی آنان دارد. این پدیده نه تنها باعث کاهش فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای نوجوانان می‌شود، بلکه زمینه‌ساز مجموعه‌ای از پیامدهای اجتماعی، روانی و اقتصادی است که می‌تواند آنان را به سوی رفتارهای بزهکارانه هدایت کند. ترک تحصیل، در واقع، یک نقطه شروع برای زنجیره‌ای از رویدادهای منفی در زندگی نوجوانان است که در صورت عدم مداخله به موقع، می‌تواند اثرات طولانی‌مدت و پایدار بر فرد و جامعه داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین اثرات ترک تحصیل، کاهش فرصت‌های مشروع برای کسب درآمد و ورود به بازار کار است. نوجوانانی که تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند، اغلب با محدودیت‌های شدید اقتصادی مواجه می‌شوند و برای تأمین نیازهای روزمره خود و خانواده، به روش‌های جایگزین و غیرقانونی متوسل می‌شوند. این وضعیت باعث می‌شود که نوجوانان به تدریج درگیر رفتارهایی مانند سرقت‌های خرد، فروش و خرید کالاهای غیرمجاز، و سایر فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی شوند. تجربه این رفتارها، به مرور زمان، هویت فرد را با بزهکاری گره می‌زند و احتمال تکرار آن در سنین بالاتر افزایش می‌یابد.

علاوه بر پیامدهای اقتصادی، ترک تحصیل نوجوانان تأثیرات روانی عمیقی دارد. احساس ناکامی، کاهش اعتماد به نفس، اضطراب و افسردگی از جمله پیامدهای روانی ترک تحصیل هستند که نوجوانان را در معرض رفتارهای پرخطر و بزهکارانه قرار می‌دهند. نوجوانی که از مدرسه و جریان آموزش رسمی دور می‌ماند، حس تعلق اجتماعی و هویت مثبت خود را از دست می‌دهد و به دنبال جایگزین‌های هویت‌بخش می‌گردد. در این مسیر، گروه‌های همسال خارج از مدرسه و شبکه‌های اجتماعی با ارزش‌ها و هنجارهای ضد هنجاری نقش مهمی ایفا می‌کنند. این گروه‌ها به نوجوانان هویت جمعی، احساس تعلق و فرصت‌های یادگیری رفتارهای بزهکارانه را ارائه می‌دهند، و نوجوانان ترک تحصیل شده به دلیل نیاز به پذیرش و تعلق، به راحتی جذب این شبکه‌ها می‌شوند.

پیامدهای اجتماعی ترک تحصیل محدود به تعاملات گروهی و هویت جمعی نیست؛ بلکه اثرات گسترده‌تری بر رفتارهای جمعی و مشارکت اجتماعی نوجوانان دارد. نوجوانان ترک تحصیل شده، اغلب در محیط‌های شهری و حاشیه‌ای با کمبود فرصت‌های مشروع و نظارت اجتماعی ناکافی مواجه می‌شوند و این شرایط آنان را به سوی رفتارهای

پرخاطر جمعی مانند خرابکاری، شرکت در نزاع‌های خیابانی، و رفتارهای ضد اجتماعی سوق می‌دهد. این تجربه‌ها، علاوه بر تثبیت رفتارهای بزهکارانه، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی متعددی برای جامعه ایجاد می‌کنند و هزینه‌های اجتماعی ناشی از بزهکاری نوجوانان را افزایش می‌دهند.

نقش خانواده در تعدیل اثرات ترک تحصیل بسیار حیاتی است. خانواده‌های حمایتگر و دارای انسجام بالا می‌توانند اثرات منفی ترک تحصیل را کاهش دهند. حضور فعال والدین، ایجاد نظارت و کنترل رفتاری مناسب، ارائه حمایت عاطفی، و آموزش هنجارهای اجتماعی می‌تواند نوجوانان ترک تحصیل شده را از ورود به مسیر بزهکاری باز دارد. فقدان این حمایت‌ها، برعکس، نوجوانان را در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی بیشتری قرار می‌دهد و احتمال جذب آنان در گروه‌های بزهکار را افزایش می‌دهد.

نقش مدرسه و کیفیت آموزش نیز به همان اندازه حیاتی است. مدارس می‌توانند با ارائه برنامه‌های مشاوره‌ای، فعالیت‌های فوق برنامه، فرصت‌های جبرانی و بازگرداندن نوجوانان ترک تحصیل شده به مسیر آموزشی، اثرات منفی ترک تحصیل را کاهش دهند. عدم حضور نوجوانان در محیط مدرسه، علاوه بر کاهش مهارت‌های آموزشی و اجتماعی، باعث کاهش فرصت‌های تعامل مثبت با همسالان و مربیان می‌شود و زمینه‌ای برای تقویت هویت بزهکارانه فراهم می‌آورد.

در سطح اجتماعی، نهادهای حمایتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز فرهنگی و مذهبی و برنامه‌های مهارتی می‌توانند نقش حیاتی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ترک تحصیل شده ایفا کنند. این نهادها می‌توانند خلاءهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از ترک تحصیل را جبران کنند و نوجوانان را به مسیرهای مشروع و مثبت هدایت نمایند. فعالیت‌های گروهی، مهارت‌آموزی، برنامه‌های فرهنگی و تربیتی و مشاوره روان‌شناختی می‌تواند نوجوانان را از جذب در گروه‌های بزهکار دور نگه دارند و فرصت‌های مشروع رشد و توسعه را برای آنان فراهم کنند.

تحلیل نهایی نشان می‌دهد که رابطه ترک تحصیل و بزهکاری نوجوانان یک رابطه ساده و خطی نیست و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل پیچیده و تعامل‌پذیر شکل می‌گیرد. این عوامل شامل محرومیت اقتصادی، پیامدهای روانی، شبکه‌های همسال بزهکار، حمایت خانوادگی ناکافی، کیفیت پایین آموزش و فقدان نهادهای حمایتی است. بنابراین، هرگونه برنامه پیشگیرانه یا اصلاحی نیازمند یک رویکرد چندسطحی و هماهنگ است که خانواده، مدرسه، نهادهای اجتماعی و جامعه را به طور همزمان درگیر کند.

به طور کلی، پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ترک تحصیل شده نیازمند برنامه‌ریزی جامع، ایجاد فرصت‌های آموزشی و مهارتی جایگزین، ارائه حمایت روانی و اجتماعی، تقویت نقش خانواده و مدرسه، و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای حمایتی است. رویکردهای تک‌بعدی و جزئی قادر به مقابله با این مسئله نخواهند بود و موفقیت در کاهش ترک تحصیل و بزهکاری نوجوانان، مستلزم هماهنگی بین عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی است. در نهایت، پیشگیری مؤثر از ترک تحصیل و بزهکاری، علاوه بر نفع فردی نوجوانان، اثرات گسترده‌ای بر سلامت اجتماعی، امنیت عمومی و توسعه پایدار جامعه خواهد داشت.

## ۶. منابع و مآخذ

- ۱- جوکار، م.، و عبداللہی، ا. (۱۳۹۸). نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال. مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۷(۳)، ۱۱۲-۱۳۰.

- ۲- حسینی، م. (۱۴۰۲). نقش مراکز فرهنگی و مذهبی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ترک تحصیل شده. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، ۱۷(۲)، ۷۵-۱۰۲.
- ۳- خادمی، س.، عباسی، م.، و شفیع، ن. (۱۴۰۳). تحلیل روان‌شناختی رفتارهای پرخطر در نوجوانان ترک تحصیل شده. مجله روان‌شناسی تربیتی، ۱۲(۱)، ۳۳-۵۸.
- ۴- دانش‌مهر، س. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی ترک تحصیل در مناطق محروم ایران: تحلیل زمینه‌ها و پیامدها. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۲(۴)، ۷۸-۵۵.
- ۵- دهقانی، م. (۱۴۰۱). تحلیل سیاست‌های آموزشی در حوزه پیشگیری از ترک تحصیل نوجوانان. مجله سیاست‌گذاری آموزش و پرورش، ۹(۲)، ۳۳-۶۰.
- ۶- رضایی، ف. (۱۴۰۰). تحلیل اجتماعی ترک تحصیل و بزهکاری نوجوانان در شهرهای کوچک. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۸(۴)، ۱۲۰-۱۴۸.
- ۷- صدیق سروستانی، م. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی بزهکاری نوجوانان: بررسی عوامل خانوادگی و مدرسه‌ای. مجله پژوهش‌های اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۹۰-۱۱۸.
- ۸- صیادپور، س.، و درتاج، ف. (۱۴۰۰). نقش پیوستگی اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان: تحلیلی بر نظریه کنترل اجتماعی. پژوهش‌نامه علوم رفتاری، ۸(۳)، ۱۲۱-۱۴۵.
- ۹- فرجی، ر.، و محسن‌نژاد، ی. (۱۴۰۳). بررسی نقش نهادهای اجتماعی در کاهش ترک تحصیل و پیامدهای آن بر بزهکاری نوجوانان. مجله برنامه‌ریزی اجتماعی، ۱۱(۱)، ۲۵-۵۲.
- ۱۰- کریمی، ح.، افشاری، س.، و تهرانی، م. (۱۴۰۲). ارتباط ترک تحصیل و گرایش به بزهکاری گروهی: بررسی نوجوانان در مناطق حاشیه‌نشین. مجله پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی، ۱۵(۲)، ۶۰-۹۰.
- ۱۱- محمدی، ن. (۱۴۰۱). ترک تحصیل و پیامدهای بزهکارانه در نوجوانان: مطالعه موردی شهرستان‌های محروم. فصلنامه مطالعات جرم‌شناسی، ۹(۳)، ۴۵-۷۱.
- ۱۲- نقی‌پور، ر. (۱۴۰۱). نقش مدارس در پیشگیری از ترک تحصیل و گرایش به بزهکاری نوجوانان. مجله آموزش و پرورش و توسعه اجتماعی، ۱۰(۲)، ۵۰-۷۷.

# A Criminological Analysis of the Relationship between School Dropout and Tendency toward Delinquency in Adolescents

Masoumeh Zare Sheikhan Maskan<sup>1</sup>

## Abstract

Adolescent school dropout is one of the most significant social and educational issues in Iran ,with widespread consequences in economic ,psychological ,and social domains .Existing findings indicate that school dropout not only reduces educational and occupational opportunities for adolescents but also fosters a tendency toward delinquency and risky behaviors .School dropout adolescents are more exposed to petty theft ,risky behaviors ,substance abuse ,and participation in delinquent peer groups , and this process is influenced by familial ,educational ,economic ,and social factors .The analysis shows that family support ,quality of education ,extracurricular school activities ,and supportive institutions can mitigate the impact of school dropout on delinquency .This study ,by reviewing domestic sources and recent research ,analyzes the relationship between school dropout and adolescent delinquency from a criminological perspective and offers a variety of preventive strategies.

## Keywords

School Dropout ,Adolescent Delinquency ,Family Factors ,Role of School ,Supportive Institutions

1. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Licensed Attorney at Law, Member of the Gilan Bar Association .Iran. (Mahsazaree62@gmail.com)